

تأثیر ساختار مالکیت بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

مجتبی جیران آسیا

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی صبح صادق، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

M.jeyran@haierplast.com

امیرحسین غیور

کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی راغب اصفهانی، اصفهان، ایران.

Ghayour.a@entekhabgroup.ir

چکیده

سود به عنوان یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین اقلام صورت‌های مالی در تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی محسوب می‌شود که توسط افراد بسیاری مورد توجه قرار می‌گیرد. اما گاهی اوقات مدیران به دلیل حداکثر کردن منافع خود، ممکن است سود را طوری گزارش کنند که با هدف تأمین منافع عمومی استفاده‌کنندگان مغایرت داشته باشد. به مجموعه اقداماتی که مدیران در جهت آراستن اطلاعات برای دستیابی به اهداف خاص انجام می‌دهند، مدیریت سود اطلاق می‌شود. بر اساس مطالب ذکرشده هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به منظور دستیابی به هدف کلی پژوهش سه فرضیه تدوین و با استفاده از روش حذف سامانمند نمونه‌ای متشکل از ۱۱۴ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۶ انتخاب گردید. از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیاری برای مدیریت سود در نظر گرفته شد و از مدل تعدیل شده جونز برای برآورد اقلام تعهدی اختیاری استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از مدل رگرسیونی چند متغیره به روش آماری داده‌های ترکیبی انجام شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان دهنده اثر منفی و معنادار مالکیت نهادی و مدیریتی بر مدیریت سود و همچنین اثر مثبت و معنادار مالکیت شرکتی بر مدیریت سود می‌باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت سود، ساختار مالکیت، مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی.

مقدمه

گزارش‌های مالی یکی از مهم‌ترین فرآورده‌های سیستم حسابداری است که یکی از اهداف عمده آن فراهم آوردن اطلاعات لازم برای ارزیابی عملکرد و توانایی سودآوری بنگاه اقتصادی است. یکی از اقلام حسابداری که در گزارش‌های مالی (صورت سود و زیان) تهیه و ارائه می‌شود سود خالص است که کاربردهای متفاوتی دارد. معمولاً سود به عنوان عاملی برای تدوین سیاست‌های تقسیم سود و راهنمایی برای سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری و بالاخره عاملی برای پیش‌بینی به شمار می‌آید. محاسبه سود خالص یک بنگاه اقتصادی متأثر از روش‌ها و برآوردهای حسابداری است. بدین لحاظ امکان دست‌کاری سود توسط مدیریت وجود دارد (خوش طینت و اسماعیلی، ۱۳۸۵).

یکی از روش‌هایی که گاهی اوقات برای آرایش صورت‌های مالی شرکت‌ها طبق درخواست مدیران مورد استفاده قرار می‌گیرد، مدیریت سود می‌باشد. مدیریت سود را می‌توان به عنوان دست‌کاری سود توسط مدیریت به منظور دستیابی به بخشی از پیش‌داوری‌های مربوط به سود مورد انتظار تعریف کرد (دستگیر و حسینی، ۱۳۹۲).

یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای شرکت‌های سهامی که در چند سال اخیر موجب به وجود آمدن تضاد منافع بین مدیران و سهامداران شده است جدایی مالکیت از مدیریت است. به طور کلی این موارد در حسابداری مدیریت به عنوان "تئوری نمایندگی" بیان می‌شود. آنچنان که جنسن و مک‌لینک^۱ در پژوهش‌های خود ابراز نموده‌اند، رابطه نمایندگی قراردادی است که بر اساس آن مالک یا صاحبکار، نماینده یا فرد دیگری را از جانب خود منصوب و اختیار تصمیم‌گیری را به او تفویض می‌کند. در روابط نمایندگی هدف مالکان حداکثر سازی سود و ثروت است، بنابراین به منظور دستیابی به این هدف بر کار نماینده نظارت و عملکرد او را ارزیابی می‌کنند.

به عبارت دیگر ساختار مالکیت از جمله مواردی است که می‌تواند فعالیت‌های فرصت طلبانه مدیران را محدود نموده و تاثیر به‌سزایی بر رفتار مالی مدیران داشته باشد. سهامداران بزرگ با انجام بررسی‌های دقیقی از فعالیت‌های مدیران در جهت مدیریت سود، می‌توانند اعتبار گزارش‌های مالی شرکت‌ها را افزایش دهند (دچو و همکاران^۲، ۱۹۹۶).

این پژوهش بر آن است که مشخص کند آیا شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تلاشی برای جلوگیری از مدیریت سودهای جانبدارانه انجام می‌دهند یا خیر؟ و اگر برای این مسئله اهمیتی قائل می‌شوند چه راهکاری را برای دستیابی به این هدف بر می‌گزینند؟ از آنجا که یکی از بارزترین راهکارهای ثابت شده برای اعمال کنترل بر مدیریت سود در سطح جهانی تغییر در ساختار مالکیت می‌باشد، تلاش می‌شود تا مشخص گردد آیا این راهکار برای شرکت‌های داخلی و سیستم‌های مالی و حسابداری کشور ما نیز مفید خواهد بود یا خیر؟

در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انواع مالکیت شامل مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی، مالکیت شرکتی و مالکیت انفرادی وجود دارد. مالکیت مدیریتی، مالکیت نهادی و مالکیت شرکتی جنبه‌هایی از ساختار مالکیت هستند که علاوه بر قابلیت دسترسی به اطلاعات آن‌ها، احتمالاً می‌توانند تاثیرات به‌سزایی بر تغییر میزان مدیریت سود داشته باشند. لذا این پژوهش به طور خاص به این جنبه‌های ساختار مالکیت خواهد پرداخت.

در این صورت این سوال مطرح می‌شود که، آیا متفاوت بودن ساختار مالکیت شرکت‌ها بر مدیریت سود تاثیر گذار است؟ یعنی اگر مالکان شرکت‌ها از گروه‌های مختلفی مانند دولت، بانک‌ها، موسسات مالی و شرکت‌های دیگر تشکیل گردند، مدیریت سود آنها تغییر خواهد کرد؟ وجود کدام یک از این گروه‌های مختلف موثرتر است؟ با توجه به مطالب فوق مسئله اصلی این پژوهش این است که آیا متفاوت بودن ساختار مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر میزان مدیریت سود آن‌ها اثرگذار است؟

مبانی نظری

در دنیای امروز که با انواع حقوق مالکان و هزینه‌های سنگین نظارت اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران، جهت کنترل تصمیمات مدیران، روبه‌رو هستیم و از آنجایی که در بسیاری از موارد اهداف مدیران و سهامداران هم‌جهت نیستند، نظارت‌هایی همانند گزارشگری، حسابرسی و نظارت مالکان می‌تواند بر همسویی این اهداف تاثیرگذار باشد. ساختار مالکیت مناسب از جمله راهکارهای محدود کننده رفتارهای فرصت طلبانه مدیران می‌باشد. همچنین با توجه به مسائل مطرح شده در تئوری نمایندگی که اهداف مالکان را حداکثر سازی ثروت می‌داند، بایستی عملکرد مدیران ارزیابی و کنترل گردد.

¹ Jensen and Meckling

² Dechow et al

مدیریت سود می‌تواند مشکلات زیادی برای استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی از جمله اعتباردهندگان، موسسات مالی و بانک‌ها به وجود آورده و باعث کاهش اعتبار گزارش‌های مالی گردد.

سود خالص یکی از اقلام مهم تاثیرگذار بر تصمیمات گروه‌های اصلی استفاده‌کننده از صورت‌های مالی است. سهامداران به عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های استفاده‌کننده از این اطلاعات هستند.

ساختار مالکیت شرکت از جمله عواملی است که موجب محدود شدن فعالیت‌های فرصت‌طلبانه مدیریت می‌شود و بر رفتار مالی مدیریت تاثیر گذار است. به‌طور مثال آلوز^۱ (۲۰۱۲) به این نتیجه رسید که ساختار مالکیت می‌تواند، کیفیت سودهای سالیانه را با کاهش سطح مدیریت سود بهبود بخشد. دجو و همکاران (۱۹۹۶) به این نتیجه رسیدند که سهامداران بزرگ با فراهم نمودن بررسی دقیق از فعالیت‌های مدیریت سود، می‌توانند اعتبار گزارش‌های مالی شرکت را افزایش دهند.

نجاح و جاربو^۲ (۲۰۱۳) نیز ارتباط بین سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت سود ۷۶ شرکت ادغام شده فرانسوی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که نظارت سرمایه‌گذاران نهادی فرصت‌های مدیریت سود را محدود می‌کند.

در پژوهش‌های اخیر مانند، لارا و اوسما^۳ (۲۰۱۲) بزرگی و ذبیحی (۱۳۹۴)، مهرانی و همکاران (۱۳۹۴)، با بررسی و تحقیق در ساختار مالکیت و تاثیر آن بر مدیریت سود و کیفیت گزارش‌های مالی، مشخص نمودند که ساختار مالکیت و اثرات آن بر مدیریت سود یکی از موضوعات جالب در پژوهش‌های حسابداری به ویژه در مورد دست‌کاری سود توسط مدیران به شمار می‌آید.

بالسام و همکاران^۴ (۲۰۰۲) بیان می‌کنند، سرمایه‌گذاران نهادی که به‌طور حرفه‌ای مبادرت به خرید سهام می‌کنند، به دلیل آن که دسترسی بیشتری به اطلاعات به‌موقع و مرتبط دارند، در مقایسه با سهامداران حقیقی، توانایی و قابلیت بیشتری، برای کشف مدیریت سود دارند.

چانگ و همکاران^۵ (۲۰۰۲) دریافتند که سهامداران نهادی با هدف دستیابی به سطح مطلوب سود، مانع از افزایش برنامه‌ریزی شده و مستمر سود می‌شوند.

بررسی رابطه بین مدیریت سود و ساختار مالکیت در شرکت‌های ایران نیز موضوع تعدادی از مطالعات بوده است. مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۱) تاثیر پاداش هیئت مدیره و مالکیت نهادی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ بررسی کرده‌اند که نتایج بررسی آنها حاکی از آن است که بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود رابطه منفی وجود دارد.

نصراللهی و عارف‌منش (۱۳۸۹) رابطه ساختار مالکیت و کیفیت سود گزارش شده از سوی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ بررسی کرده‌اند. آنها از متغیرهای مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، تمرکز مالکیت و مالکیت مدیران، به منزله معیارهای ساختار مالکیت استفاده کردند. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که با افزایش نسبت مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی، کیفیت سود بهبود می‌یابد و تمرکز مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی باعث کاهش کیفیت سود می‌شود.

آقایی و چالاکي (۱۳۸۸) رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ بررسی کرده‌اند. یافته‌های آنان نشان داد، در حالی که بین مدیریت سود

¹ Alvez

² Njah and Jarboui

³ Iara and Osma

⁴ Balsam

⁵ Chang et al

و مالکیت نهادی و نیز استقلال هیئت مدیره رابطه معنی دار و منفی وجود دارد، بین تمرکز مالکیت و مدیریت سود، رابطه ای وجود ندارد.

پیشینه پژوهش

روزی بائوو بی لولین^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان "ساختار مالکیت و مدیریت سود در بازارهای نوظهور" بین ۱۲۰۰ مشاهده در سال های ۲۰۰۸ لغایت ۲۰۱۳ به بررسی رابطه مالکیت نهادی و مدیریت سود پرداختند و به این نتیجه رسیدند که نظارت مالکیت نهادی ارتباطی منفی با مدیریت سود دارد. همچنین نتایج نشان می دهد که سازوکارهای کنترل حکومتی بر مدیریت سود تاثیرگذار است.

نجاح و جاربو^۲ (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان "سرمایه گذاران نهادی، حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، در فرآیند ادغام" بین ۷۶ نمونه از شرکت های فرانسوی در بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که نقش نظارتی سرمایه گذاران نهادی، فرصت های مدیریت سود را محدود می نماید.

حاجیان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی تاثیر ساختار مالکیت و عملکرد شرکت بر مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" بین ۱۰۴۰ مشاهده شرکت - سال طی سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ به این نتیجه رسیدند که بین مالکیت شرکتی و مدیریت سود ارتباط مثبت و معنا داری وجود داشته است. اما بین مالکیت خارجی با آنکه میزان مالکیت کمتری را نسبت به سایر سهام داران در شرکت دارند با مدیریت سود رابطه منفی و معناداری مشاهده شده است که نشان دهنده آن است که وجود سهام دار خارجی تاثیر به سزایی در جهت کاهش فعالیت های دستکاری سود توسط مدیران داشته است.

احمدپور و منتظری (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان "نوع مدیریت سود و تاثیر اندازهی شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر آن" به انگیزه مدیران از مدیریت سود و تاثیر اندازه شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر گرایش مدیران در انتخاب نوع مدیریت سود در بین ۱۱۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ پرداختند که نتایج به دست آمده حکایت از به کارگیری مدیریت سود کارا دارد. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که اندازه شرکت و مالکیت خانوادگی دو عاملی هستند که بر گرایش مدیران در انتخاب نوع مدیریت سود تاثیرگذار هستند.

فرضیه پژوهش

- فرضیه اول: مالکیت نهادی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اثر منفی دارد.
- فرضیه دوم: مالکیت مدیریتی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اثر منفی دارد.
- فرضیه سوم: مالکیت شرکتی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اثر مثبتی دارد.

¹ RoseyBao & B Lewellyn

² Njah et al

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل‌های اقتصادسنجی صورت گرفته است. فرضیه‌های پژوهش بر اساس داده‌های ترکیبی آزمون شده است و تحلیل‌های آماری به کمک نرم‌افزار Eviews انجام شده است.

داده‌های مورد نیاز این پژوهش از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های، بورسی، بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین و سایت‌های بورسی جمع‌آوری شده است. نمونه آماری پژوهش با توجه به معیارهای ذیل انتخاب شد:

- سال مالی شرکت مورد بررسی، منتهی به پایان اسفندماه باشد.

- قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.

- فعالیت اصلی شرکت سرمایه‌گذاری، بانکداری، لیزینگ و نهادهای مالی نباشد.

- اطلاعات مالی شرکت مورد بررسی در دسترس باشد.

با توجه به شرایط فوق، ۱۱۴ شرکت طی بازه‌ی زمانی ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۶ همه شرایط حضور در نمونه آماری را داشته‌اند.

مدل و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی طبق پژوهش روزی‌بائو بی‌لولین (۲۰۱۷) برحسب رابطه (۱) استفاده می‌شود:

$$ACAcc_{it} = \beta_0 + \beta_1 INST_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 DEBT_{it} + \beta_4 PB_{it} + \beta_5 ROS_{it} + \beta_6 CAP_{it} + \beta_7 CRP_{it} + \beta_8 LIQUIDITY_{it} + \beta_9 NETWORTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

به منظور آزمون فرضیه دوم از مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی طبق پژوهش روزی‌بائو بی‌لولین (۲۰۱۷) برحسب رابطه (۲) استفاده می‌شود:

$$ACAcc_{it} = \beta_0 + \beta_1 MGR_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 DEBT_{it} + \beta_4 PB_{it} + \beta_5 ROS_{it} + \beta_6 CAP_{it} + \beta_7 CRP_{it} + \beta_8 LIQUIDITY_{it} + \beta_9 NETWORTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

به منظور آزمون فرضیه سوم از مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی طبق پژوهش روزی‌بائو بی‌لولین (۲۰۱۷) برحسب رابطه (۳) استفاده می‌شود:

$$ACAcc_{it} = \beta_0 + \beta_1 CORP_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 DEBT_{it} + \beta_4 PB_{it} + \beta_5 ROS_{it} + \beta_6 CAP_{it} + \beta_7 CRP_{it} + \beta_8 LIQUIDITY_{it} + \beta_9 NETWORTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته

مدیریت سود ($ACAcc_{it}$): در این پژوهش مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی است که برای ارزیابی آن از مدل تعدیل شده جونز استفاده می‌شود. به منظور تخمین اقلام تعهدی جاری به استناد پژوهش ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۵) از مدل تعدیل شده جونز^۱ (۱۹۹۵) براساس رابطه زیر استفاده می‌شود.

در مدل تعدیل شده جونز ابتدا کل اقلام تعهدی از طریق رابطه (۴) محاسبه می‌گردد:

$$TCAcci,t = \Delta CAi,t - \Delta Cli,t - \Delta CASHi,t + \Delta STDEBTi,t$$

¹ Modified Jons Model

$TCAcc_{i,t}$ = کل ارقام تعهدی جاری برای شرکت i در سال t .

$\Delta CA_{i,t}$ = تغییر در دارایی‌های جاری برای شرکت i در سال t .

$\Delta CL_{i,t}$ = تغییر در بدهی‌های جاری برای شرکت i در سال t .

$\Delta CASH_{i,t}$ = تغییر در وجه نقد و معادل آن برای شرکت i در سال t .

$\Delta STDEBT_{i,t}$ = تغییر در حصه جاری بدهی‌های بلند مدت برای شرکت i در سال t .

پس از به دست آوردن میزان ارقام تعهدی به اندازه‌گیری ضرائب مورد نیاز ارقام تعهدی جاری خاص از طریق رابطه مدل (۵) پرداخته شده است:

$$\frac{CAcc_{i,t}}{A_{i,t-1}} = \beta_0 i + \beta_1 i \left\{ \frac{\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right\} + \beta_2 i \left\{ \frac{\Delta COGS_{i,t} - \Delta INV_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right\} + \beta_3 i \left\{ \frac{\Delta OCF_{i,t}}{A_{i,t-1}} \right\} + \varepsilon_{it}$$

$CAcc_{i,t}$ = کل ارقام تعهدی حسابداری.

$REV_{i,t}$ = ارقام درآمدی شرکت.

$REC_{i,t}$ = خالص حساب‌های دریافتی.

$COGS_{i,t}$ = بهای تمام شده کالای فروش رفته.

$INV_{i,t}$ = موجودی کالای شرکت.

$OCF_{i,t}$ = وجه نقد عملیاتی شرکت.

ε_{it} = خطا برای شرکت i در سال t .

$\frac{TCAcc_{i,t}}{A_{i,t-1}}$ = کل ارقام تعهدی حسابداری برای شرکت i در سال t تقسیم بر کل دارایی‌ها شرکت i در پایان سال $t-1$.

$\frac{\Delta REV_{i,t}}{A_{i,t-1}}$ = تغییر در درآمدها برای شرکت i در سال t تقسیم بر کل دارایی‌ها شرکت i در پایان سال $t-1$.

$\frac{\Delta REC_{i,t}}{A_{i,t-1}}$ = تغییر در خالص حساب‌های دریافتی برای شرکت i در سال t تقسیم بر کل دارایی‌ها شرکت i در پایان سال $t-1$.

$\frac{\Delta COGS_{i,t}}{A_{i,t-1}}$ = تغییر در بهای تمام شده کالای فروش رفته شرکت i در سال t تقسیم بر کل دارایی‌ها شرکت i در پایان سال $t-1$.

$\frac{\Delta INV_{i,t}}{A_{i,t-1}}$ = تغییر در موجودی کالا در سال t نسبت به سال قبل تقسیم بر کل دارایی‌ها شرکت i در پایان سال $t-1$.

$\frac{\Delta OCF_{i,t}}{A_{i,t-1}}$ = تغییر در وجه نقد عملیاتی شرکت i در سال t نسبت به سال قبل تقسیم بر کل دارایی‌ها شرکت i در پایان سال $t-1$.

در نهایت ارقام تعهدی جاری غیرعادی که از تفاوت کل ارقام تعهدی جاری و ارقام تعهدی جاری عادی به دست می‌آیند را محاسبه و از آن‌ها در آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود.

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر ساختار مالکیت می‌باشد که به سه دسته مالکیت نهادی، مدیریتی و شرکتهای تقسیم شده است.

مالکیت نهادی ($INST_{it}$): درصد سهام نگهداری شده توسط شرکت‌های دولتی از کل سهام سرمایه می‌باشد و این شرکت‌ها شامل شرکت‌های بیمه، موسسات مالی، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی و دیگر اجزای دولت می‌باشند. این متغیر

برابر است با نوع مالکیت نهادی و غیر نهادی. این متغیر دو گزینه‌ای بوده، که اگر مالکیت، نهادی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود. به منظور تعیین شرکت‌های با مالکیت نهادی، گزارش سالیانه فعالیت هیات مدیره کلیه شرکت‌های نمونه مورد بررسی قرار گرفته شد و شرکت‌هایی که حداقل بیست درصد از سهام آن‌ها در دست شرکت‌های مذکور باشد و به طور فعال در هیات مدیره شرکت، مشارکت داشته باشند نهادی تلقی شده که اسامی آن‌ها در پیوست شماره (الف) موجود است.

مالکیت مدیریتی (MGR_{it}): درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای خانواده هیات مدیره است. این متغیر برابر است با نوع مالکیت مدیریتی و غیر مدیریتی. این متغیر دو گزینه‌ای بوده، که اگر مالکیت، مدیریتی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود. به منظور تعیین شرکت‌های با مالکیت مدیریتی، گزارش سالیانه فعالیت هیات مدیره کلیه شرکت‌های نمونه مورد بررسی قرار گرفته شد و شرکت‌هایی که حداقل بیست درصد از سهام آن‌ها در دست اعضای خانواده هیات مدیره باشد و به طور فعال در هیات مدیره شرکت، مشارکت داشته باشند مدیریتی تلقی شده که اسامی آن‌ها در پیوست شماره (الف) موجود است.

مالکیت شرکتی ($CORP_{it}$): درصد سهام نگهداری شده توسط اجزای شرکت‌های سهامی از کل سهام سرمایه می‌باشد و شامل انواع شرکت‌های سهامی می‌باشد. این متغیر برابر است با نوع مالکیت شرکتی و غیر شرکتی. این متغیر دو گزینه‌ای بوده، که اگر مالکیت، شرکتی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص داده می‌شود. به منظور تعیین شرکت‌های با مالکیت شرکتی، گزارش سالیانه فعالیت هیات مدیره کلیه شرکت‌های نمونه مورد بررسی قرار گرفته شد و شرکت‌هایی که حداقل بیست درصد از سهام آن‌ها در دست شرکت‌های سهامی باشد و به طور فعال در هیات مدیره شرکت، مشارکت داشته باشند شرکتی تلقی شده که اسامی آن‌ها در پیوست شماره (الف) موجود است.

متغیرهای کنترلی

$SIZE_{it}$: اندازه شرکت (لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i طی دوره نمونه).

$DEBT_{it}$: اهرم (نسبت بدهی بلند مدت به مجموع دارایی‌ها).

PB_{it} : شاخص رشد (نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن).

ROS_{it} : شاخص سودآوری عملیاتی (متوسط بازده فروش شرکت i طی دوره نمونه).

CAP_{it} : متوسط مخارج سرمایه‌ای شرکت i طی دوره نمونه.

CRP_{it} : عملکرد نسبی شرکت (نسبت سود خالص دوره جاری بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره).

$LIQUIDITY_{it}$: انحراف معیار در میانگین سرمایه در گردش.

$NETWORTH_{it}$: انحراف معیار در میانگین حقوق صاحبان سهام.

یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۱)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۱): آمار توصیفی

پنل متغیرهای پیوسته						
متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	مشاهدات
ACAcc	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۶	۰/۷۳۰	-۰/۵۱۲	۰/۱۵۹	۷۹۸

۷۹۸	۳۳/۱۱۷	۰/۰۰۰	۹۹/۵	۵۲/۰۹۵	۴۸/۹۳۵	INST
۷۹۸	۱۹/۷۶	۲/۱۸	۹۹/۴۵	۵۰/۹۵	۴۹/۷۹۶	CORP
۷۹۸	۲۵/۴۲۸	۰/۰۰۰	۹۸/۵۲	۶۵/۹۳۵	۵۹/۲۸۴	MGR
۷۹۸	۱/۳۴۹	۱۰/۶۷۰	۱۹/۴۶۵	۱۳/۸۶۰	۱۳/۹۳۹	SIZE
۷۹۸	۰/۱۱۳	۰/۰۰۰	۰/۹۹۷	۰/۰۴۶	۰/۰۸۵	DEPT
۷۹۸	۱/۷۷۱	-۱/۹۹۴	۷/۷۸	۲/۰۹۱	۲/۳۹۲	PB
۷۹۸	۰/۳۰۱	-۱/۹۰۷	۱/۸۵۴	۰/۰۸۱۵	۰/۱۰۶	ROS
۷۹۸	۰/۱۶۶	-۰/۷۴۹	۰/۶۲۳	۰/۱۰۶	۰/۱۰۹	CAP
۷۹۸	۰/۱۹۲	-۰/۹۸۶	۰/۹۶۰	۰/۰۸۲	۰/۱۱۰	CRP
۷۹۸	۴/۳۳۳	-۵۰۰۴۷۹۸۹	۱۱۳۰۲۲۲۸	۹۸۳۸۰/۵	-۳۲۷۳۰۲	LIQUIDITY
۷۹۸	۸/۴۶۶	-۱۲۰۰۰۰۰۰	۱۳۳۰۰۰۰۰	۴۱۵۷۴۸/۵	۱۸۹۹/۶۹۹	NETWORTH

در جدول (۱)، برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی ارائه شده است. در این میان، پارامترهای مرکزی، دسته‌ای از پارامترهای توصیف‌کننده‌ی یک توزیع آماری هستند که ویژگی داده‌ها را نسبت به مرکز توزیع بیان می‌کنند. میانگین به عنوان نقطه تعادل و مرکز ثقل یک توزیع آماری، یکی از شاخص‌های مرکزی مناسب برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال، میانگین مالکیت نهادی برابر است با ۴۸/۹۳۵ که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. علاوه بر این در جدول (۱) میزان بیشتر و کمترین مقدار هر متغیر نشان داده شده است که بیشترین مقدار برای متغیر مالکیت شرکتی برابر است با ۹۹/۴۵ که متعلق به شرکت پگاه اصفهان در سال ۱۳۹۳ و برای متغیر اندازه شرکت کمترین مقدار برابر است با ۱۰/۶۷ متعلق به شرکت درخشان تهران در سال ۱۳۹۰ می‌باشد.

آزمون تعیین نوع داده‌ها

به منظور انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و تلفیقی در برآورد مدل، از آزمون اف لیمر استفاده شده است. برای بررسی نتایج اف لیمر، در صورتی که احتمال آمار اف بیشتر از ۰/۰۵ باشد، باید از روش داده‌های تلفیقی استفاده کرد، در غیر این صورت از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود.

در صورت پذیرفته شده روش داده‌های تابلویی، سپس باید آزمون هاسمن را جهت انتخاب بین روش اثرات تصادفی یا ثابت بکار برد. در آزمون هاسمن، در صورتی که احتمال آماره کای دو بیشتر از ۰/۰۵ باشد، باید از روش اثرات تصادفی و در غیر این صورت از روش اثرات ثابت استفاده شود. خلاصه نتایج آزمون اف لیمر و هاسمن در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): آزمون اف لیمر و هاسمن

آزمون هاسمن			آزمون اف لیمر		
نتیجه	احتمال	آماره کای دو	نتیجه	احتمال	آماره F لیمر
نیازی به آزمون هاسمن نیست			تلفیقی	۰/۰۸۹۸	۱/۲۰۲
نیازی به آزمون هاسمن نیست			تلفیقی	۰/۰۸۹۰	۱/۲۰۲
نیازی به آزمون هاسمن نیست			تلفیقی	۰/۰۸۳۶	۱/۲۰۸

همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار سطح معناداری آزمون اف لیمر بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه روش داده‌های تلفیقی پذیرفته می‌شود.

تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از برآورد مدل

جدول شماره (۳) نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول را با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

باتوجه به جدول (۳) می‌توان نتیجه گرفته که ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۱۷ درصد است که یعنی ۱۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است. همچنین آماره F نشان دهنده معناداری کل رگرسیون است، با توجه به مقدار آماره و احتمال آن، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که کل رگرسیون معنادار است. علاوه بر این، با توجه به آماره دوربین واتسون که بین ۱/۵ و ۲/۵ است، مدل دارای خود همبستگی نمی‌باشد.

به منظور آزمون فرضیه پژوهش به ضریب مالکیت نهادی باید توجه شود. آماره t ضریب مالکیت نهادی برابر با ۰/۰۳۶- است که احتمال آن برابر با ۰/۰۰۱ است که در سطح خطای ۵ درصد، فرضیه صفر رد می‌شود. بنابراین فرضیه پژوهش رد نمی‌شود.

جدول (۳): نتیجه آزمون فرضیه اول

$ACAcc_{it} = \beta_0 + \beta_1 INST_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 DEBT_{it} + \beta_4 PB_{it} + \beta_5 ROS_{it} + \beta_6 CAP_{it} + \beta_7 CRP_{it} + \beta_8 LIQUIDITY_{it} + \beta_9 NETWORTH_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
مالکیت نهادی	-۰/۰۳۶	۰/۰۱۰	-۳/۲۹۹	۰/۰۰۱
اندازه شرکت	۰/۶۱۹	۰/۳۴۴	۱/۷۹۵	۰/۰۷۳
اهرم	۲۵/۹۹۰	۴/۹۲۱	۵/۲۸۱	۰/۰۰۰
شاخص رشد	-۰/۴۰۹	۰/۲۴۳	-۱/۶۸۴	۰/۰۹۲۵
سود آوری عملیاتی	۰/۷۷۸	۲/۰۵۵	۰/۳۷۸	۰/۷۰۵۱
مخارج سرمایه ای	۴/۱۷۲	۲/۵۱۰	۱/۶۶۲	۰/۰۹۶۹
عملکرد نسبی شرکت	۲۰/۲۸۲	۳/۷۷۷	۵/۳۶۸	۰/۰۰۰
میانگین سرمایه در گردش	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۱	۳/۱۸۰	۰/۰۰۱۵
میانگین حقوق صاحبان سهام	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۳	-۰/۴۴۵	۰/۶۵۶۲
مقدار ثابت	-۱۰/۱۵۲	۴/۵۶۳	-۲/۲۲۴	۰/۰۲۶۴
آماره دوربین واتسون	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	احتمال آماره F	
۱/۸۵	۰/۱۷	۱۹/۴۱۶	۰/۰۰۰	

جدول شماره (۴) نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم را با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

باتوجه به جدول (۴) می‌توان نتیجه گرفته که ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۱۶ درصد است که یعنی ۱۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است. همچنین آماره F نشان دهنده معناداری کل رگرسیون است، با توجه به مقدار آماره و احتمال آن، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که کل رگرسیون معنادار است. علاوه بر این، با توجه به آماره دوربین واتسون که بین ۱/۵ و ۲/۵ است، مدل دارای خود همبستگی نمی‌باشد.

به منظور آزمون فرضیه پژوهش به ضریب مالکیت مدیریتی باید توجه شود. آماره t ضریب مالکیت مدیریتی برابر با 0.026 - است که احتمال آن برابر با 0.041 است که در سطح خطای 5 درصد، فرضیه صفر رد می‌شود. بنابراین فرضیه پژوهش رد نمی‌شود.

جدول (۴): نتیجه آزمون فرضیه دوم

$ACAcc_{it} = \beta_0 + \beta_1 MGR_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 DEBT_{it} + \beta_4 PB_{it} + \beta_5 ROS_{it} + \beta_6 CAP_{it} + \beta_7 CRP_{it} + \beta_8 LIQUIDITY_{it} + \beta_9 NETWORTH_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
مالکیت مدیریتی	-0.026	0.013	-2.038	0.0418
اندازه شرکت	0.526	0.345	1.525	0.1276
اهرم	$27/421$	$4/889$	$5/608$	0.0000
شاخص رشد	-0.312	0.247	-1.260	0.208
سود آوری عملیاتی	-0.456	$2/034$	-0.224	0.8226
مخارج سرمایه ای	$3/890$	$2/528$	1.538	0.1243
عملکرد نسبی شرکت	$22/366$	$3/806$	$5/875$	0.0000
میانگین سرمایه در گردش	0.027	0.010	$2/656$	0.008
میانگین حقوق صاحبان سهام	-0.034	0.038	-0.904	0.3659
مقدار ثابت	$-9/396$	$4/669$	$-2/012$	0.0446
آماره دوربین واتسون	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	احتمال آماره F	
$1/83$	0.16	$18/916$	0.000	

جدول شماره (۵) نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم را با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

باتوجه به جدول (۵) می‌توان نتیجه گرفته که ضریب تعیین تعدیل شده برابر با 16 درصد است که یعنی 16 درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است. همچنین آماره F نشان دهنده معناداری کل رگرسیون است، با توجه به مقدار آماره و احتمال آن، در سطح اطمینان 95 درصد می‌توان نتیجه گرفت که کل رگرسیون معنادار است. علاوه بر این، با توجه به آماره دوربین واتسون که بین $1/5$ و $2/5$ است، مدل دارای خود همبستگی نمی‌باشد.

به منظور آزمون فرضیه پژوهش به ضریب مالکیت شرکتی باید توجه شود. آماره t ضریب مالکیت شرکتی برابر با 0.036 است که احتمال آن برابر با 0.036 است که در سطح خطای 5 درصد، فرضیه صفر رد می‌شود. بنابراین فرضیه پژوهش رد نمی‌شود.

جدول (۵): نتیجه آزمون فرضیه سوم

$ACAcc_{it} = \beta_0 + \beta_1 CORP_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 DEBT_{it} + \beta_4 PB_{it} + \beta_5 ROS_{it} + \beta_6 CAP_{it} + \beta_7 CRP_{it} + \beta_8 LIQUIDITY_{it} + \beta_9 NETWORTH_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
مالکیت شرکتی	0.036	0.017	$2/094$	0.0365
اندازه شرکت	0.479	0.345	$1/388$	0.1652
اهرم	$27/116$	$4/859$	$5/579$	0.0000
شاخص رشد	-0.338	0.246	-1.37	0.1703

سود آوری عملیاتی	-۰/۲۶۲	۲/۰۳۶	-۰/۱۲۸	۰/۸۹۷۶
مخارج سرمایه ای	۴/۳۶۶	۲/۵۲۹	۱/۷۲۶	۰/۰۸۴۷
عملکرد نسبی شرکت	۲۱/۴۸۹	۳/۷۹۹	۵/۶۵۶	۰/۰۰۰۰
میانگین سرمایه در گردش	۰/۰۲۷۹	۰/۰۱۰	۲/۷۱۲	۰/۰۰۶۸
میانگین حقوق صاحبان سهام	-۰/۰۱۷۲	۰/۰۳۵۷	-۰/۴۸۰	۰/۶۳۰۹
مقدار ثابت	-۸/۶۱۷	۴/۶۸۳۶	-۱/۸۳۹	۰/۰۶۶۲
آماره دوربین واتسون	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	احتمال آماره F	
۱/۸۴	۰/۱۶	۱۹/۴۱۶	۰/۰۰۰	

بحث، نتیجه گیری و پیشنهادها

در فرضیه اول به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی پرداخته شد. با توجه به احتمال آماره t مربوط به مالکیت نهادی می توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضریب متغیر مالکیت نهادی معنادار می باشد. از سوی دیگر ضریب برآورد شده برای متغیر مالکیت نهادی برابر ۰/۰۳۶- است. علاوه بر این، علامت منفی این ضریب نشان دهنده رابطه معکوس بین مالکیت نهادی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی است. به عبارتی، سرمایه- گذاران نهادی، مدیریت ارقام تعهدی شرکت را کاهش می دهند. نتایج آزمون این فرضیه در بورس اوراق بهادار تهران، مشابه نتایجی است که در پژوهش نوروش (۱۳۸۴) و مرادزاده فرد (۱۳۸۸) به دست آمده است. همچنین این نتایج با نتایج پژوهش شلیفر، دیچو و بالسام، مطابقت دارد.

در فرضیه دوم به بررسی رابطه بین مالکیت مدیریتی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی پرداخته شد. با توجه به احتمال آماره t مربوط به مالکیت مدیریتی می توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضریب متغیر مالکیت مدیریتی معنادار می باشد. از سوی دیگر ضریب برآورد شده برای متغیر مالکیت مدیریتی برابر ۰/۰۲۶- است. علاوه بر این، علامت منفی این ضریب نشان دهنده رابطه معکوس بین مالکیت مدیریتی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی است. به عبارتی، سرمایه گذاران مدیریتی، مدیریت ارقام تعهدی شرکت را کاهش می دهند. نتایج آزمون این فرضیه در بورس اوراق بهادار تهران، مشابه نتایجی است که در پژوهش استا (۱۳۹۰) به دست آمده است. همچنین این نتایج با نتایج پژوهش دیچو مطابقت دارد.

در فرضیه دوم به بررسی رابطه بین مالکیت شرکتی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی پرداخته شد. با توجه به احتمال آماره t مربوط به مالکیت شرکتی می توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضریب متغیر مالکیت شرکتی معنادار می باشد. از سوی دیگر ضریب برآورد شده برای متغیر مالکیت شرکتی برابر ۰/۰۳۶+ است. علاوه بر این، علامت مثبت این ضریب نشان دهنده رابطه مستقیم بین مالکیت شرکتی و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی است. به عبارتی، سرمایه گذاران شرکتی، مدیریت ارقام تعهدی شرکت را افزایش می دهند. نتایج آزمون این فرضیه در بورس اوراق بهادار تهران، مشابه نتایجی است که در پژوهش نوروش (۱۳۸۴) و حاجیان (۱۳۹۶) به دست آمده است. همچنین این نتایج با نتایج پژوهش بالسام مطابقت دارد.

در راستای پژوهش انجام شده و نتایج به دست آمده از آن برخی از پیشنهادها برای پژوهش به شرح زیر بیان می شود: به استفاده کنندگان صورت های مالی در هنگام مطالعه صورت های مالی پیشنهاد می شود که نقش نظارتی طبقات مختلف ساختار مالکیت را بر مدیریت سود، مورد توجه قرار دهند.

با توجه به نتایج حاصل از این تحقیق و مشخص شدن تأثیر طبقات مختلف مالکیت بر مدیریت سود، پیشنهاد می شود که سرمایه گذاران در هنگام اخذ تصمیمات خرید و فروش، ترکیب سهامداران را هم به عنوان یکی از متغیرهای تصمیم در نظر داشته باشند.

پیشنهاد می شود سازمان بورس و سازمان حسابرسی، مقررات و استانداردهایی برای کنترل هر چه بهتر رفتار مدیریت شرکتها در انتخاب روشهای متعدد حسابداری که می تواند منجر به دست کاری سود شود تدوین نمایند.

در این تحقیق نقش مالکیت نهادی، مدیریتی و شرکتی در صنایع مختلف به طور جداگانه آزمون نشده است، بنابراین، پیشنهاد می شود ارتباط ساختار مالکیت با مدیریت سود در صنایع مختلف بررسی شود.

استفاده کنندگان از اطلاعات مالی شرکتها جهت تصمیمات اقتصادی خود در کنار استفاده از ارقام ارائه شده در صورت های مالی به روش های حسابداری شرکتها در محاسبه ارقام صورت های مالی توجه نمایند زیرا به دلیل قابلیت انعطاف ذاتی استانداردهای حسابداری، تفسیر و به کارگیری روش های حسابداری در بسیاری از موارد تابع قضاوت و اعمال نظر مدیران شرکتها می باشد.

استفاده کنندگان از اطلاعات مالی شرکتها در اتخاذ تصمیمات اقتصادی خود به ساختار مالکیت شرکتها توجه کنند زیرا اگر شرکتها دارای ترکیب مناسبی از ساختار مالکیت باشند دارای کیفیت سود بالاتری هستند.

با توجه به این که مدیریت سود در شرکتها متفاوت است، به مسئولین توصیه می شود که ساز و کاری فراهم کنند که اطلاعات ساختار مالکیت شرکتها در اختیار تمام افراد فعال در بازار سرمایه قرار گیرد.

پیشنهادهات

برای پژوهش های آتی نیز پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

۱. با توجه به این که در این پژوهش از مدل تعدیل شده جونز برای محاسبه اقلام تعهدی استفاده شده، پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی از سایر مدلها برای برآورد اقلام تعهدی استفاده گردد.

۲. در این پژوهش، اثرات نوع صنعت در نظر گرفته نشده است. با توجه به احتمال متفاوت بودن شدت و ضعف روابط مشاهده شده در صنایع مختلف، از این رو پیشنهاد می شود در مطالعات آتی، هر یک از مدل های این پژوهش برای صنایع مختلف به تفکیک برآورده شود و نتایج با یکدیگر مقایسه گردد.

۳. تأثیر عوامل کلان اقتصادی نظیر تولید ناخالص داخلی، تورم و ... بر مدیریت سود شرکتها بررسی گردد.

۴. این پژوهش صرفاً شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داده، لذا پیشنهاد می گردد سایر پژوهشگران علاقه مند این پژوهش را برای شرکت های فرابورسی و غیربورسی نیز انجام دهند.

منابع

- ✓ ابراهیمی، کاظم، بهرامی نسب، علی، احمدی مقدم، منصور، (۱۳۹۵)، رابطه بین تصمیمات تأمین مالی با انواع مدیریت سود، فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۸۳-۱۰۲.
- ✓ احمدپور، احمد، منتظری، مهدی، (۱۳۹۰)، نوع مدیریت سود و تاثیر اندازه شرکت، ساختار مالکیت و حاکمیت شرکتی بر آن، مجله پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره سوم، صص ۱-۳۵.
- ✓ اسماعیلی، شاهپور، (۱۳۸۶)، کیفیت سود، مجله حسابدار، شماره ۱۸۴، صص ۲۷-۳۸.

- ✓ حاجیان، نجمه، داغانی، رضا، موسیوند، زهرا، (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر ساختار مالکیت و عملکرد شرکت بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه تحلیل مالی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۱۹.
- ✓ دستگیر، محسن، حسینی، احسان، (۱۳۹۲)، مروری جامع بر مدیریت سود. فصل‌نامه مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۲، صص ۴-۱۷.
- ✓ مرادزاده فرد، مهدی، زارع زاده مهریزی، محمدصادق، تاگر، رضا، (۱۳۹۱)، تأثیر پاداش هیئت مدیره و مالکیت نهادی بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصل‌نامه بورس اوراق بهادار، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۳۷-۱۵۲.
- ✓ مهرانی، ساسان، مرادی، محمد، اسکندری، هدی، هاشمی، میر محمد جواد، (۱۳۹۴). مالکیت نهادی و انعطاف پذیری مالی، مجله پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۴۳-۵۶.
- ✓ نصرالهی، زهرا، عارف‌منش، زهره، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه مالکیت و کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۳۸.
- ✓ Alves, Sandra. (2012). Ownership Structure and Earnings Management, Evidence from Portugal, Australasian Accounting, Business and Finance Journal, 6(1): 57-74.
- ✓ Balsam, S, Bartov. E and Marquardt, C. (2002). Accruals Management, Investor Sophistication, and Equity Valuation: Evidence from 10-Q Filings, Journal of Accounting Research, Vol. 40, No. 4, P. 987-1012.
- ✓ Dechow. P., Sloan.R and sweeny.A, (1996), Detecting Earning Management, The AccountingReview, 70, 193-226.
- ✓ Njah, Mounaand AnisJarboui.(2013). Institutional investors, corporate governanceand earnings managementaround merger: evidence from French sorbing firms, Journal of Economics, Finance and Administrative Science, 18, 89-96.